

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تقریر درس خارج اصول فقه آیت الله اراکی رحمته الله

مقرر	حجت الاسلام محمدعلی زحمت کش	جلسه	۲۷	تاریخ	۱۴۰۳/۰۸/۰۹
عنوان ۱	خبر واحد				
عنوان ۲	بررسی اصل حجیت خبر واحد				
عنوان ۳	ادله قائلین حجیت خبر واحد				
عنوان ۴	نوع اول: استدلال به کتاب				
عنوان ۵	استدلال به آیه نفر				
عنوان ۶	تقریب استدلال				

«الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ وَ لَعَنَهُ اللَّهُ عَلَى أَعْدَائِهِمْ إِلَى قِيَامِ يَوْمِ الدِّينِ»

مرور درس گذشته

تقریب استدلال به آیه نفر را برای اثبات حجیت خبر بیان کردیم و گفتیم این تقریب مبتنی بر دو مقدمه است: یک مقدمه اثبات دلالت آیه بر وجوب حذر است و دیگری، اثبات ملازمه بین وجوب حذر و حجیت خبر است.

اشکالات شهید صدر رحمته الله بر استدلال به آیه نفر

استاد شهید رحمته الله بر این بیانی که برای اثبات حجیت خبر به وسیله آیه نفر بیان شد که مبتنی بر دو مقدمه بود، اشکالاتی دارند.

اشکال اول: اشکال بر تلازم بین وجوب حذر از اذار منذر و حجیت خبر

اشکال اولی که استاد شهید رحمته الله به استدلال به آیه نفر برای اثبات حجیت خبر واحد وارد می کنند، متمکز بر مقدمه ای است که تلازم بین وجوب حذر از اذار منذر و حجیت خبر را مطرح می کرد.

ایشان می فرماید اصحاب بیشتر تلاششان در آیه بر این بوده که دلالت آیه بر وجوب حذر را اثبات کنند و گویا اصل تلازم بین وجوب حذر و حجیت خبر را مسلم می دانسته اند. استاد شهید رحمته الله می فرماید ما به همین امر متسالم علیه بین اصحاب اشکال داریم و تلازم بین وجوب حذر از اذار منذر و حجیت خبر را قبول نداریم.

برای تبیین عدم تلازم بین حجیت خبر و وجوب حذر، مطلب را ضمن پنج بند بیان می کنیم. البته در بیان استاد شهید، مطلب به این پنج بند تقسیم نشده؛ اما برای اینکه مطلب روشن شود، به این شکل بیان می کنیم.

بند اول: اساساً در آیه، وجوب حذر از اخبار مخبر مطرح نشده است؛ بلکه وجوب حذری که در آیه وجود دارد، از انذار مندر است. آیه می‌فرماید: «لِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ»؛ نمی‌فرماید: «لیخبروا قومهم» و بین این دو، تفاوت وجود دارد.

بند دوم: اخبار از عقاب، اعم از این است که این عقاب، قبلاً منجز شده باشد یا منجز نشده باشد؛ در حالی که انذار، انذار از عقاب است؛ یعنی عقاب، قبلاً منجز شده است؛ یعنی یک عقابی وجود دارد که منجز شده و این شخص از آن عقاب منجز سابق، انذار می‌دهد و می‌گوید مراقب آن باشید. بنابراین، انذار، فرع بر تنجز عقاب است و در این صورت است که انذار معقول است و الا اگر قبل از آن، عقاب منجز نشده باشد، انذار از چه چیزی می‌خواهد باشد؟

بند سوم: مسلمینی که در آن زمان اسلام آورده بودند و در اطراف جزیره العرب پراکنده بودند، جاهل به احکام بودند؛ زیرا احکام تازه تبیین شده بود ولی احکام در حق آنها بیان شده بود و این احکام، در حق آنها منجز بود؛ یا به دلیل علم اجمالی که می‌دانستند که رسولی مبعوث شده و احکامی را بیان کرده است یا اگر هم علم اجمالی نداشتند، شبهه قبل از فحص داشتند؛ یعنی احتمال می‌دانند که رسول اکرم صلی الله علیه و آله احکام الزامیه‌ای را بیان کرده باشد که تخلف بر آنها عقاب بار شود. بنابراین احکام، بر مردم منجز بوده است؛ یا به دلیل علم اجمالی و یا به دلیل شبهه قبل الفحص بودن.

بند چهارم: از آن جهت که احکام در حق مردم منجز بوده است، قاعده اقتضاء می‌کرده است که بر آنها، فحص از احکام واجب باشد و تمام آنها بیایند از رسول خدا صلی الله علیه و آله احکام را بپرسند و این مقدور نبود که تمام آنها نزد رسول خدا بیایند و موجب اختلال نظام می‌شد.

بند پنجم: در آنجایی که قاعده اقتضای وجوب فحص می‌کرده و بر همه لازم بود که بیایند و از رسول اکرم صلی الله علیه و آله سؤال کنند، این آیه نازل شده است تا دایره تنجیز احکام را به خصوص دایره انذار مندرین محدود کند؛ یعنی این آیه نازل شده و فرموده که لازم نیست که همه نزد رسول اکرم صلی الله علیه و آله بیایند؛ بلکه عده‌ای بیایند و احکام را یاد بگیرند و به دیگران بیاموزند؛ تا در نتیجه، تنجیز احکام در غیر دایره انذار مندرین برداشته شود و دیگر فحص در این دایره، برای آنها کفایت می‌کند؛ زیرا دیگر علم اجمالی بر وجود احکامی خارج از انذار مندرین برای آنها وجود نخواهد داشت؛ چراکه علم اجمالی منحل خواهد شد بین آنچه مندرین انذار کرده‌اند و آنچه مندرین بیان نکردند که این می‌شود شبهه بدویه و فحص از احکام اجمالی به مقدار انذار مندرین کفایت می‌کرده است؛ زیرا علم اجمالی را منحل می‌کرده است.

بنابراین، انذار مندر، در طول تنجیز احکام بوده است؛ نه اینکه منجزیت احکام، در طول انذار مندر باشد. اگر بخواهیم بگوییم که آیه، بر وجوب حذر هنگام انذار مندر یا اخبار مخبر دلالت دارد، معنایش این است که انذار مندر است که تنجیز می‌آورد؛ در حالی که تنجیز، سابق بر انذار مندر است؛ نه لاحق بر آن. انذار مندر، باید در طول تنجیز احکام باشد؛ نه اینکه تنجیز در طول انذار مندر باشد؛ لذا است که در آیه، وجوب حذر را بر اخبار مخبر متبرتب نکرده است تا گفته شود این خبر،

منشأ منجزیت است؛ بلکه «لِيُنْذِرُوا» گفته است. انذار، فرع تنجز عقاب قبل از انذار است؛ یعنی باید ابتدا عقابی باشد تا انذار برای آن صورت گیرد.^۱

[در پاسخ به پرسش یکی از شاگردان:] آنچه بر انذار مندر مترتب می شود، رفع تنجیز است از خارج از دایره احکامی که مندر آنها را ابلاغ می کند؛ نه تنجیز در دایره انذار مندر و الا تنجیز، قبل از انذار مندر وجود داشته است؛ زیرا علم اجمالی داشته اند که احکامی وجود دارد.

[در پاسخ به پرسش یکی از شاگردان:] «لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ» به وسیله انذار مندر؛ اما این انذار مندر، انذار عقاب قبلی است. این انذار مندر، اخبار می کند از اینکه احکامی که عقاب بر آنها بار می شود و منجزند، این احکام هستند. وقتی این احکام منجزیت داشته باشند، طبیعتاً و تکویناً، دایره تنجیز منحصر می شود به داخل دایره انذار مندرین؛ نه اینکه خود این انذار مندر فی نفسه، رفع تنجیز کند؛ اما نتیجه آن، این است؛ زیرا نتیجه قهری انذار مندر، انحلال علم اجمالی است؛ لذا رفع تنجیز از مازاد بر دایره انذار مندر، اثر قهری و طبیعی انذار مندر است.

[پرسش یکی از شاگردان: شک بدوی بعد از انذار، نسبت به خارج از دایره انذار، نیاز به فحص ندارد؟ پاسخ استاد:] خیر؛ برای اینکه علم اجمالی وجود ندارد. وجوب فحص، فرع وجود علم اجمالی است؛ لذا شبهه بدویه است. علت اینکه نیاز به مؤمن است، علم اجمالی کبیری است که وجود دارد؛ اما اگر علم اجمالی وجود نداشته باشد، صرف احتمال بدوی حرمت، نیاز به مؤمن ندارد بنابر قاعده قبح عقاب بلا بیان که بر مبنای مشهور است؛ اما بر مبنای استاد شهید که صرف الاحتمال را منجز می دانند، این تقریب، کمی جای بحث دارد؛ اما فعلاً ایشان در انتقادی که بر استدلال بیان می کنند، بر همان مبنای مشهور سخن می گویند.

۱. متن تقریرات دروس شهید صدر رحمته الله چنین است: «أقول: إنَّ الأصحاب قدس سرهم سواء القائلين بتمامية الاستدلال بهذه الآية، والقائلين بعدم تمامية الاستدلال بها ركزوا كلامهم على مدى دلالة الآية على وجوب الحذر وعدمها. وأما الملازمة بين وجوب الحذر والحجية فأخذوها أمراً متسالماً عليه من الطرفين. والتحقيق: أنَّ هذا الأمر المتسالم عليه غير صحيح، إذ لم يرتب وجوب الحذر على إخبار المخبر، وإنما رتب وجوب الحذر على إندار المنذر، ولا معنى للإندار إلا لدى تنجز الحكم سابقاً وقبل الإندار حتى يتم استحقاق العقاب في الرتبة السابقة على الإندار، كي يعقل الإندار بالعقاب. وفي زمن نزول الآية كان الناس في مختلف البلاد جاهلين بالأحكام، والأحكام منجزة عليهم في المرتبة السابقة على الإندار بالعلم الإجمالي، أو بكون الشبهة قبل الفحص، وكان مقتضى القاعدة إيجاب الفحص على الجميع، ولكن كان ذلك موجباً لاختلال النظام فسقط عنهم الفحص بهذا النحو، وأمروا بأن ينفر من كل فرقة منهم طائفة ليتفقهوا في الدين، ولينذروا الباقين بعد الرجوع حتى يحذروا عن العقاب في دائرة الأمور المنذر بها، فغاية ما تدل عليها الآية الكريمة هي رفع تنجيز الحكم عليهم في غير دائرة الأمور المنذر بها، لأنَّ التنجيز في دائرة الأمور المنذر بها يكون في طول الإندار، فالعلم الإجمالي أو كون الشبهة قبل الفحص كان يقتضي التنجيز في دائرة أوسع، ولم يكن يعقل الاحتياط بالنسبة لأولئك الأشخاص الذين هم في تلك المرتبة من الجهل، فأثر تنجيز الأحكام عليهم إنما هو وجوب الفحص لا الاحتياط، وقد رفع عنهم الفحص بأزيد من مقدار نفر طائفة من كل فرقة، فقد قال الله تعالى: «مَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنْفِرُوا كَافَّةً»، وهذا يعني تقليص التنجيز وحصره في دائرة ما يأتي به المنذرون، لا إضفاء التنجيز على إندار المنذرین؛ لما عرفت: من أنَّ الإندار إنما هو في طول التنجيز، وليس العكس». مباحث الأصول؛ جزء الثاني من قسم الثاني؛ ص ۴۷۸ و ۴۷۹.

خلاصه اینکه نتیجه‌ای که در این آیه بر انداز منذر مترتب می‌شود، رفع تنجیز از ماسوای دایره انداز منذرین است؛ نه اینکه نتیجه‌ای که بر انداز منذر مترتب می‌شود، تنجیز حکم به وسیله این انداز باشد؛ زیرا اصل انداز بدین معناست که قبلاً حکم و عقاب منجز شده است و انداز منذر، می‌گوید مراقب باشید عقابی که وجود دارد، دامن‌گیر شما نشود. بنابراین، اینکه بر اساس تلازم بین وجوب حذر و حجیت خبر گفته شود آیه دلالت بر حجیت خبر دارد، مورد قبول نیست. این تلازم، در اینجا وجود ندارد. حجیت یا منجزیت، اثر انداز منذر نیست؛ بلکه این منجزیت، قبل از انداز منذر وجود داشته است. در نتیجه این حذر، حذر مترتب بر اخبار مخبر نیست؛ بلکه حذر از آن عقاب منجز قبل از اخبار مخبر است. [در پاسخ به پرسش یکی از شاگردان:] خود «انذار» و تفاوت آن با اخبار - که در ابتدا بیان شد - این را می‌فهماند که باید یک عقاب منجز قبلی وجود دارد؛ اکنون ما تبیین می‌کنیم که به چه دلیل این عقاب قبلی وجود دارد و می‌گوییم که این عقاب قبلی، در نتیجه این است که شبهه قبل از فحص است یا در نتیجه علم اجمالی است؛.

و صلّی الله علی محمد و آله الطّاهرين